

متن پرسش

سلام علیکم موضوع: اقرار (با توجه به اینکه عمل اقرار یک فعل قلبی می باشد در دسته بندی موضوعی این مطلب را در قهرست قلب انتخاب نمودم و البته اگر حضرتعالی انتخاب شایسته تری دارید جایگاه بحث را در آن موضوع قرار دهید) عنایتی به مطالب زیر داشته باشید: • (۳) آل عمران : ۸۱ و إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَ أَقْرَبْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلَيَّ ذَلِكَمْ إِضْرِي قَالُوا أَقْرَبْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ (۸۱) • (۲) البقرة : ۸۴ و إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَ لَا تَخْرُجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَبْتُمْ وَ أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ (۸۴) • عیون اخبار الرضا روایت کرده که «انما سمی اولوا العزم اولوا العزم لانهم كانوا اصحاب العزائم و الشرائع» • «عن جابر عن ابی جعفر علیه السلام: انما سمی اولوا العزم اولوا العزم لانه عهد اليهم فی محمد و الاوصياء من بعده و المهدي و سيرته فاجمع عزمهم ان ذلك كذلك و اقروا به. • ثُمَّ اخَذَ الْمِيثَاقَ عَلَى النَّبِيِّينَ فَقَالَ اَسْتُ بِرَبِّكُمْ وَ اَنَّ هَذَا مُحَمَّدٌ رَسُولِي وَ اَنَّ هَذَا عَلِيٌّ اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ قَالُوا بَلَى فَوَثَّقْتُمْ لَهُمُ النَّبُوَّةَ وَ اخَذَ الْمِيثَاقَ عَلَى اَوْلَى الْعَزْمِ اَنْبِيَّ رَبِّكُمْ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولِي وَ عَلِيٌّ اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ اَوْصِيَاؤُهُ مِنْ بَعْدِهِ وُلَاةُ اَمْرِي وَ خُزَّانُ عَلَمِي ع وَ اَنَّ الْمَهْدِيَّ اَنْتَصِرُ بِهِ لِديني وَ اُظْهَرُ بِهِ دَوْلَتِي وَ اَنْتَقِمُ بِهِ مِنْ اَعْدَائِي وَ اُعْبَدُ بِهِ طَوْعًا وَ كَرْهًا قَالُوا اَقْرَبْنَا يَا رَبِّ وَ شَهِدْنَا وَ لَمْ يَجْحَدْ اَدَمُ وَ لَمْ يَقْرَ فَتَبَّتِ الْعَزِيمَةُ لَهُوُلَاءِ الْخُمْسَةِ فِي الْمَهْدِيِّ وَ لَمْ يَكُنْ لِاَدَمَ عَزْمٌ عَلَى الْاِقْرَارِ بِهِ وَ هُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَقَدْ عَهِدْنَا اِلَى اِدَمَ مِنْ قَبْلُ فَانْسَى وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا • و فی عیون الاخبار عن الرضا ع قال انما سمی اولوا العزم لانهم كانوا اصحاب العزائم و الشرائع و ذلك ان كل نبی كان بعد نوح ع كان على شريعته و منهاجه و تابعاً لكتابه إلى زمن إبراهيم الخليل ع • عَن زُرَّارَةَ عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اخَذَ الْمِيثَاقَ عَلَى اَوْلَى الْعَزْمِ اَنْبِيَّ رَبِّكُمْ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولِي وَ عَلِيٌّ اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ اَوْصِيَاؤُهُ مِنْ بَعْدِهِ وُلَاةُ اَمْرِي وَ خُزَّانُ عَلَمِي وَ اَنَّ الْمَهْدِيَّ اَنْتَصِرُ بِهِ از روایات فوق می توان نتیجه گرفت که ۱- پیامبران اولوالعزم بواسطه عهد و میثاقی که از آنان راجع به توحید و ولایت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم و اهل بیت ایشان بالاخص از حضرت مهدی علیه السلام والرحمه و سیره ایشان گرفته شد و آنها تصمیم خود را استوار کردند که مطلب چنین است و به آن اعتراف و اقرار نمودند متمایز از سایر انبیا شدند. ۲۲۱- همه انبیا از مقررین بوده اند و چه بسا درجاتی از عزم را داشته اند اما به جهت فراموشی عهد و یا به میزان معرفت حق و مراتب انبیا(۱۷ الإسرائ: لَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ) تعداد کمی از آنها رسول و فقط ۵ تن از آنها که نسبت به عهد بر ربوبیت و ولایت استقامت کردند اولوالعزم شدند. در واقع سر عزم آنها به اقرار آنها بر می گردد. فصل مشترک در اغلب روایات این

موضوع اقرار است. و اما معنی اقرار: [قَرَّ]: جای استقرار، مکان. المَقَر: قرارگاه، محل اقامت؛ «مَقَرُّ القِيَادَةِ»: جایگاه رهبری و فرماندهی □ قرر: قَرَّ فی مکانه یَقَرُّ قَرَاراً وقتی است که کسی یا چیزی در جایش ثابت بماند و همچون جماد بی حرکت شود و اصلش از- قَرَّ- است یعنی سرمای شدیدی که اقتضای سکون و بی حرکتی دارد و- حرَّ- یعنی گرما و حرارت که اقتضای حرکت دارد. جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَاراً (۶۴ / غافر). زمین را جای استقرار و آرامش شما قرار داد. در صفت بهشت، گفت: ذَاتِ قَرَارٍ وَ مَعِينٍ □ (۵۰ / مؤمنون) (۱) و در صفت دوزخ گفت: فَبُئْسَ الْقَرَارُ (۶۰ / ص) (۲) اسْتَقَرَّ فُلَانٌ: وقتی است که کسی قصد سکونت کند که استقرار در- معنی- قر است مثل- استجاب و اجاب [پاسخ داد]. (۱) در جایگاهی آرامش بخش که آبی گوارا و روان دارد در باره خلقت انسانهاست که می گوید: وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَ مُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَضَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ- (۹۸ / انعام) یعنی: او خدائی است که شما را از نفسی واحد آفرید پس قرارگاهی و امانتگاهی دارید تحقیقا این آیات را برای گروهی که می فهمند و تفقه می کنند شرح و تفصیل دادیم. ابن فارس می نویسد: (ق- ر) دو ریشه صحیح دارد: ۱- قَرَّ- دلالت بر سردی دارد. ۲- قَرَّ- دلالت بر تمکن و استقرار. : و معنی اقرار که نقطه مقابل جحود و انکار است از معنی دوم ناشی میشود. قَرَّتْ عَيْنُهُ تَقَرُّ: شادمان و مسرور شد. در آیه: كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا (۴۰ / طه) (۱). به کسی هم که به وسیله او سرور و شادمانی حاصل شود، می گویند: قَرَّةٌ عِي نِز گفته شده از این جهت واژه- قَرَّ- برای خنک شدن چشم و یا برای شادمانی بکار میرود اشک ذوق و سرور و شادمانی، اشکی خنک است و اشک حزن و اندوه گرم □ أَقَرَّ بِالْحَقِّ: به حق اعتراف کرد و آنرا در جایش ثابت و استوار ساخت. با توجه به مطالب فوق می توان گفت که اقرار به موضوعی که به آن معرفت پیدا کردیم همان عزم است. به بیان دیگر به قبول موضوع معلوم که بخاطر استقرار در قلب سبب آرامش و سکون و خنکی قلب می شود عزم گویند. و این عملی قلبی و اختیاری است. ----- استاد محترم با علم حضوری نور اجمالی اهل

بیت علیهم السلام اجمعین یا آن حقیقت بسیط و یا به اعتباری خودمانرا می یابیم با توجه به سیر آموزشی حضرتعالی این حقیقت مشهود است می توانید بحثی را ارائه فرمایید که با عمل قلبی که در واقع پذیرش این حقیقت (روایت=الاقرار هو القبول) تصدیق و اقراری حاصل شود که حق در قلب قرار گیرد و شما می دانید حق که قرار گرفت نقطه مقابل آن (غیر حق) برای همیشه از قلب خارج می شود و هیچ ابلیسی نمی تواند به آن آسیبی برساند (دقیقا مثل همین میزان ولایتی که از اهل بیت پذیرفته ایم) بنده در این فعل قلبی (قبول آنی برگشت ناپذیر) مشکل دارم البته در آموزه های حضرات معصومین علیهم السلام به شاگردان خاصشان این سیره بسیار دیده شده و حتی آنجایی که شاگردان قدرت پرواز این مسیر را نداشتند با ولایت اهل بیت علیهم السلام نقص آنها برطرف شده و مسیر را طی کرده اند (مثل داستان کمیل با امیر المومنین علیه السلام روی شتر که کمیل را حضرت سیرشان داد و در آخر فرمودند فقد طلع الصبح) متشکرم و عذرخواه از اینکه وقت شریفتان را گرفته ام

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: فعلاً که در دوران غیبت حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» هستیم و از رؤیت مستقیم آن حضرت محروم می‌باشیم. شاید روشی که حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» در کتاب «شرح دعای سحر» در رجوع به اسماء الهی مدّ نظر ما قرار می‌دهند کارساز باشد تا قلب در معرض انوار الهی قرار گیرد و عزم و اقرار او به فعلیت لازم برسد. **إن شاء الله**. موفق باشید